

خلاصه بحث

در مورد وقت نافله ظهر و عصر اختلاف نظر وجود دارد، که قول اشهر یا مشهور این است که نافله ظهر از هنگام زوال آغاز شده و تا وقتی که سایه شاخص به دو قدم برسد ادامه دارد.

نافله عصر نیز از دو قدم شروع شده و تا چهار قدم ادامه دارد.

وقت نافله ظهر و عصر

امام راحل فرموده است:

«وقت نافلة الظهر من الزوال إلى الذراع - أي سبعي الشاخص - و العصر إلى الذراعين - أي أربعة أسباعه - فإذا وصل إلى هذا الحدّ يقَدّم الفريضة»^۱.

در مورد وقت نافله ظهر و عصر اختلافاتی وجود دارد. لکن قول مشهور و به تعبیر برخی قول اشهر این است که وقت نافله ظهر از اول زوال خورشید آغاز می شود و تا زمانی که شاخص به اندازه دو قدم برسد ادامه دارد، و اگر بخواهیم با ذراع بیان کنیم تا یک ذراع است، چون دو قدم مساوی با یک ذراع است که خود این ذراع مساوی با دو هفتم شاخص است، و یک قدم هم مساوی با یک هفتم شاخص است.

و وقت نافله عصر هم از دو قدم شروع شده و تا چهار قدم ادامه پیدا می کند.

قول دوم این است که وقت نافله ظهر از اول زوال شروع می شود تا زمانی که سایه شاخص دو برابر بشود، یعنی هفت هفتم. و نافله عصر هم بعد از این شروع می شود تا دو برابر، یعنی تا چهارده هفتم.

این قول، قائلین بسیاری دارد و به همین دلیل برخی ها از قول اول تعبیر به اشهر کرده اند، چون این قول هم مشهور است ولی قول اول مشهورتر است، بنابراین تعبیر اشهر بکار برده اند.

^۱تحریر الوسيلة (دو جلدی)، الخميني، السيد روح الله، ج ۱، ص ۱۳۲.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۲۰

قول سوم هم این است که وقت نافله، تا آخرین وقت فريضة امتداد دارد، یعنی تا آخرین وقتی که می توان نماز ظهر را خواند نافله را نیز می توان خواند.

پایان وقت نماز ظهر، زمانی است که بتوان هشت رکعت نماز خواند، چهار رکعت مربوط به خود نماز ظهر، و چهار رکعت هم مربوط به نماز عصر. بنابراین طبق قول سوم، نافله را تا قبل از این فرصت می توان انجام داد.

البته اگر بنا داشته باشد که نافله عصر را هم بخواند طبعاً باید فرصت بیشتری را در نظر بگیرد، یعنی باید علاوه بر ظهر و عصر، هشت رکعت نافله عصر را هم حساب کند، و قبل از اینها فرصتی را که می تواند هشت رکعت نافله ظهر را انجام بدهد در نظر بگیرد.

صاحب حدائق فرموده است:

«انما الخلاف بينهم في آخر وقتها و قد اختلفت فيه أقوالهم، قال العلامة في المختلف: اختلف علماؤنا في آخر وقت الظهر فقال السيد المرتضى (رضي الله عنه) إذا زالت الشمس دخل وقت الظهر فإذا مضى مقدار صلاة أربع ركعات اشتركت الصلاتان الظهر والعصر في الوقت الى ان يبقى الى مغيب الشمس مقدار أربع ركعات فيخرج وقت الظهر و يبقى وقت العصر و بالغروب ينقضي وقت العصر و هو اختيار ابن الجنيّد و سلاّر و ابن إدريس و ابن زهرة، و قال الشيخ في المبسوط إذا زالت الشمس دخل وقت الفريضة و يختص به مقدار ما يصلى فيه أربع ركعات ثم يشترك الوقت بعده بينه و بين العصر الى ان يصير ظل كل شيء مثله، و روى حتى يصير الظل أربعة أقدام و هو أربعة أسباع الشاخص المنتصب ثم يختص بعد ذلك بوقت العصر الى ان يصير ظل كل شيء مثليه فإذا صار كذلك فقد فات وقت العصر، هذا وقت الاختيار و اما وقت الضرورة فهما مشتركان فيه الى ان يبقى من النهار مقدار ما يصلى فيه أربع ركعات فإذا صار كذلك اختص بوقت العصر الى ان تغرب الشمس، و في أصحابنا من قال ان هذا ايضا وقت الاختيار الا ان الأول أفضل، و افتى في الخلاف بمثل ذلك و كذلك في الجمل، و قال في النهاية آخر وقت الظهر لمن لا عذر له إذا صارت الشمس على أربعة أقدام»^۲

ایشان وقت فضیلت ظهر و عصر را بیان کرده که با این بیان، وقت نافله هم مشخص می شود، چون مراد از وقت نافله، همان وقت فضیلت نماز است.

^۲ الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، البحراني، الشيخ يوسف، ج ۶، ص ۲۰۱۱

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۲۰

صاحب جواهر نیز چنین فرموده است:

«و أما وقت النوافل اليومية فللظهر من حين تحقق الزوال و تبينه، و عليه يحمل خبر الأصبح إلى أن يبلغ زيادة الفياء قدمين أي سبعي الشاخص و للعصر أربعة أقدام أي أربعة أسباعه، و هما الذراع و الذراعان كما هو معلوم ... و قيل و القائل السيد أبو المكارم و الحلبي فيما حكى عنه و الفاضلان و العلّيان على ما حكى عن الميسي منهما، و مال اليه الشهيدان، بل هو صريح الثاني منهما، بل هو ظاهر المبسوط و التهذيب و المحكي عن الإصباح، إذ في الأول و الثالث الامتداد إلى أن يبقى إلى آخر الوقت قدر أداء الفريضة، و الظاهر إرادتهما وقت المختار، فيكون حينئذ عين المحكي عن الجمل و العقود و المذهب و الجامع، بل في ظاهر الغنية الإجماع عليه ما دام وقت الاختيار أو الفضل على القولين باقيا و هو المثل و المثان و قيل و القائل غير معروف باسمه و نسبه كما اعترف به جماعة يمتد وقتها بامتداد وقت الفريضة للأجزاء، و لعله الحلبي في الكافي كما قيل، لكن المحكي عنه كما عرفته أن آخر وقت الظهر عنده للمضطر المثل، و لغيره أربعة أقدام.

و على كل حال فالأول أشهر بل هو المشهور فتوى و رواية نقلا و تحصيلاً»^۳.

صاحب جواهر این سه قول را ذکر کرده و فرموده که قول اول، مشهور یا اشهر است و قائلین به قول دوم را هم بیان کرده ولی برای قول سوم فقط حلبي را ذکر کرده و همان را هم در ادامه رد کرده است.

اما ظاهر کلام حدائق که قبلا بیان شد این است که قول سوم، قول شیخ در خلاف و جمل است، که این نسبت، جای تحقیق و بررسی دارد.

ممکن است کسی بگوید که کلام صاحب حدائق ناظر به وقت فريضه است و در مورد نافله نیست. ولی تعبیر «وقت اضطراری» در کلام فقهاء، اشاره به همین قول سوم است، بنابراین کلام ایشان هم ناظر به همین قول است.

به هر حال اجماعی در اینجا نداریم و مشهور هم زیر سوال است، چون برخی تعبیر به اشهر کرده اند، چرا که قول دوم هم قائلین بسیاری دارد، بنابراین شهرتی هم در بین نیست.

سید در عروه وقتی که اقوال را ذکر می کند همین قول آخر را اقوی دانسته است.

جواهر الکلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ۷، ص ۳۰۱۷۰

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۲۰

عبارت ایشان این است:

«وقت نافله الظهر من الزوال إلى الذراع، و العصر إلى الذراعين، أي سبعي الشاخص، و أربعة أسباعه بل إلى آخر وقت أجزاء الفريضة على الأقوى»^٤

ایشان ابتدا همان قول مشهور را بیان کرده است که وقت نافله ظهر تا دو هفتم شاخص یعنی دو قدم یا همان یک ذراع است، و وقت نافله عصر نیز تا چهار هفتم شاخص است، سپس قول سوم جواهر را ذکر کرده و همان را اقوی دانسته است. به هر حال شهرت و اجماعی در بین نداریم و اقوال مختلف شده اند، بنابراین عمده برای ما نصوص است.

بسیاری از نصوص همان قول اول را بیان کرده اند، بنابراین اقوی همان قول مشهور است، چون علاوه بر شهرت یا مشهور بودن از جهت فتوا، شهرت روایی هم دارد.

صحیحہ زراره

و بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ وَقْتِ الظُّهْرِ فَقَالَ ذِرَاعٌ مِنْ زَوَالِ الشَّمْسِ وَ وَقْتُ الْعَصْرِ ذِرَاعاً مِنْ وَقْتِ الظُّهْرِ فَذَاكَ أَرْبَعَةُ أَقْدَامٍ مِنْ زَوَالِ الشَّمْسِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ حَائِطَ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَانَ قَامَةً وَ كَانَ إِذَا مَضَى مِنْهُ ذِرَاعٌ صَلَّى الظُّهْرَ وَ إِذَا مَضَى مِنْهُ ذِرَاعَانِ صَلَّى الْعَصْرَ ثُمَّ قَالَ أَ تَدْرِي لِمَ جُعِلَ الذِّرَاعُ وَ الذِّرَاعَانِ قُلْتُ لِمَ جُعِلَ ذَلِكَ قَالَ لِمَكَانِ النَّافِلَةِ لَكَ أَنْ تَتَنَقَّلَ مِنْ زَوَالِ الشَّمْسِ إِلَى أَنْ يَمْضِيَ ذِرَاعٌ فَإِذَا بَلَغَ فَيُؤَكِّ ذِرَاعاً بَدَأَتْ بِالْفَرِيضَةِ وَ تَرَكْتَ النَّافِلَةَ وَ إِذَا بَلَغَ فَيُؤَكِّ ذِرَاعَيْنِ بَدَأَتْ بِالْفَرِيضَةِ وَ تَرَكْتَ النَّافِلَةَ»^٥

این روایت، وقت ظهر که همان وقت نافله ظهر هم هست را از زوال شمس تا یک ذراع، و وقت عصر را از یک ذراع تا دو ذراع می داند.

سپس در ادامه فرموده است که دیوار مسجد النبی به اندازه قامت یک انسان بود و هنگامی که یک ذراع رد می شد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نماز ظهر را می خواندند، یعنی تا قبل از آن، نوافل ظهر را اقامه می فرمودند.

العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ٢، ص ٢٦٣. ٤
وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٣، ص ١٠٣، أبواب المواقيت، باب ٨، ح ٣، ط الإسلامية. ٥

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۲۰

و حکمت جعل این ذراع و ذراعین هم برای این است که وقت نافله مشخص بشود، تا با وجود اختلاف حالات مردم که یکی نوافل را مثلاً تندتر می خواند و دیگری کندتر می خواند، به صورت تقریبی بتوان مشخص کرد که نافله در چه زمانی انجام می شود.

بنابراین اگر کسی نوافل را می خواند طبیعتاً نماز ظهر را با فاصله ای بعد از زوال می خواند و بین نماز ظهر و عصر هم برای او فاصله می افتد، ولی اگر کسی نافله را نمی خواند نظر ما این است که افضل برای چنین فردی این است که نماز ظهر را در اول وقت زوال، و نماز عصر را هم پس از نماز ظهر بخواند و نباید تا یک ذراع یا دو ذراع صبر کند.

البته در این مساله اختلاف وجود دارد که بحث های پیرامون آنرا در جای خود مطرح خواهیم کرد.

در ذیل این روایت هم چنین آمده که اگر کسی نافله را نخواند و به یک ذراع رسید، در اینجا دیگر نافله را ترک کند و نماز ظهر را بخواند، و همینطور اگر نافله را نخواند و به دو ذراع رسید، در چنین صورتی دیگر نافله را نخواند و نماز عصر را اقامه کند.

در این روایت، هم تعبیر قدم ذکر شد، و هم تعبیر ذراع، و با این بیان، نسبت بین قدم و ذراع هم مشخص شد.

موثقہ سعید اعرج

و بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ وَ ابْنِ رَبَاطٍ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ وَقْتِ الظُّهْرِ أَ هُوَ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَقَالَ بَعْدَ الزَّوَالِ بِقَدَمٍ أَوْ نَحْوِ ذَلِكَ إِلَّا فِي السَّفَرِ أَوْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَإِنَّ وَقْتُهَا إِذَا زَالَتْ»^۶.

این روایت بین وقت فضیلت در سفر و حضر تفصیل داده است، چون در سفر نافله خوانده نمی شود، بنابراین معلوم می شود که مشخص کردن این وقت ها هم به خاطر نافله است.

تعبیری که در سایر روایات ذکر شده است «قدمین» است، ولی تعبیر این روایت «قدم او نحو ذلك» است، که به صورت تقریبی بیان شده و می تواند بیش از یک قدم و نزدیک دو قدم هم باشد، بنابراین منافاتی با دو قدم ندارد.

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۰۶، أبواب المواقيت، باب ۸، ح ۱۷، ط الإسلامیة. ۶

صحیحہ زراره

وَعَنْهُ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «وَقْتُ الظُّهْرِ عَلَى ذِرَاعٍ»^۷.

این روایت نیز وقت نماز ظهر را یک ذراع دانسته است.

موثقه عمار

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقٍ عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: «... فَإِنْ مَضَى قَدَمَانِ قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ رَكْعَةً بِدَأْ بِالْأُولَى وَلَمْ يُصَلِّ الزَّوَالَ إِلَّا بَعْدَ ذَلِكَ وَلِلرَّجُلِ أَنْ يُصَلِّيَ مِنْ نَوَافِلِ الْأُولَى مَا بَيْنَ الْأُولَى إِلَى أَنْ تَمْضِيَ أَرْبَعَةُ أَقْدَامٍ فَإِنْ مَضَتْ الْأَرْبَعَةُ أَقْدَامُ وَلَمْ يُصَلِّ مِنَ النَّوَافِلِ شَيْئًا فَلَا يُصَلِّي النَّوَافِلَ وَإِنْ كَانَ قَدْ صَلَّى رَكْعَةً فَلْيَتِمَّ النَّوَافِلَ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْهَا ثُمَّ يُصَلِّيَ الْعَصْرَ وَقَالَ لِلرَّجُلِ أَنْ يُصَلِّيَ إِنْ بَقِيَ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ صَلَاةِ الزَّوَالِ إِلَى أَنْ يَمْضِيَ بَعْدَ حُضُورِ الْأُولَى نِصْفُ قَدَمٍ وَلِلرَّجُلِ إِذَا كَانَ قَدْ صَلَّى مِنَ نَوَافِلِ الْأُولَى شَيْئًا قَبْلَ أَنْ تَحْضُرَ الْعَصْرُ فَلَهُ أَنْ يُتِمَّ نَوَافِلَ الْأُولَى إِلَى أَنْ يَمْضِيَ بَعْدَ حُضُورِ الْعَصْرِ قَدَمٌ وَقَالَ الْقَدَمُ بَعْدَ حُضُورِ الْعَصْرِ مِثْلُ نِصْفِ قَدَمٍ بَعْدَ حُضُورِ الْأُولَى فِي الْوَقْتِ سَوَاءً»^۸.

ظاهر عبارت این است که مراد از «بدأ بالأولى» یعنی نافله را آغاز می کند، و مراد از «زوال» در «لم يصل الزوال» هم نماز ظهر است.

و به نظر می رسد که این روایت اشاره به وقت اضطراری نافله ظهر دارد، یعنی وقت اصلی نافله ظهر همان دو قدم است، ولی اگر در این فرصت نافله را نخواند نوبت به وقت اضطراری می رسد، یعنی در همین صورت هم ابتدا نافله را می خواند و بعد نوبت به فريضه می رسد.

^۷ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۰۶، أبواب المواقیت، باب ۸، ح ۱۸، ط الإسلامية.

^۸ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۷۸، أبواب المواقیت، باب ۴۰، ح ۱، ط الإسلامية.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۲۰

در مورد نافله عصر هم حضرت وقت آنرا از دو قدم تا چهار قدم بیان فرموده اند، منتهی تفاوتی که در نافله ظهر و عصر وجود دارد این است که اگر نافله عصر در وقت خودش خوانده نشد دیگر نباید خوانده بشود. ولی در مورد نافله ظهر وارد شده که اگر دو قدم هم شد اما نافله نخوانده بود، باز هم فرصت دارد که نافله را بخواند.

صحیحہ اسماعیل جعفی

وَعَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عُذَيْسٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «... وَ إِنَّمَا جُعِلَ الدَّرَاعُ وَ الدَّرَاعَانِ لِئَلَّا يَكُونَ تَطَوُّعٌ فِي وَقْتِ فَرِيضَةٍ»^۹

این روایت، حکمت ذراع و ذراعین را اینگونه معرفی کرده که نماز مستحبی در هنگام نماز واجب انجام نشود، بنابراین اگر کسی نافله را انجام داد دیگر مشکلی نیست و می تواند فریضه را همان موقع بجا بیاورد و نیاز نیست که صبر کند. بنابراین اگر نافله را سریع خواند و مثلاً نصف قدم یا یک قدم از شاخص سپری شد، نیاز نیست که تا دو قدم صبر کند.

خبر محمد بن فرج

وَ إِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مَيْمُونِ بْنِ يُونُسَ النَّخَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَجِ قَالَ: «كُتِبْتُ أَسْأَلُ عَنْ أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ فَأَجَابَ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَصَلِّ سُبْحَتَكَ وَ أَجِبْ أَنْ يَكُونَ فَرَاغُكَ مِنَ الْفَرِيضَةِ وَ الشَّمْسُ عَلَى قَدَمَيْنِ ثُمَّ صَلِّ سُبْحَتَكَ وَ أَجِبْ أَنْ يَكُونَ فَرَاغُكَ مِنَ الْعَصْرِ وَ الشَّمْسُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَقْدَامٍ فَإِنْ عَجَلَ بِكَ أَمْرٌ فَأَبْدَأْ بِالْفَرِيضَتَيْنِ وَ أَقْضِ بَعْدَهُمَا النَّوَافِلَ فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ فَصَلِّ الْفَرِيضَةَ ثُمَّ أَقْضِ بَعْدَ مَا شِئْتَ»^{۱۰}

این روایت در ظاهر با روایت اول که صحیحہ زرارہ بود تنافی دارد، چون در این روایت آمده که تا قبل از دو قدم، فریضه را انجام بده، ولی در صحیحہ زرارہ آمده بود که بعد از آنکه دو قدم شد فریضه را بجا بیاور. منتهی این روایت ضعیف است و به همان صحیحہ اخذ می شود.

در این روایاتی که خواندیم اثری از قول دوم و سوم نبود و همه روایات همان قول اول را بیان کرده بودند.

^۹ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۰۸، أبواب المواقیت، باب ۸، ح ۲۸، ط الإسلامية.

^{۱۰} وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۰۹، أبواب المواقیت، باب ۸، ح ۳۱، ط الإسلامية.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۲۰

حتی اگر روایتی هم پیدا کنیم که قول دوم یا سوم را بگوید باز هم این روایات که قول مشهور را بیان کرده اند مقدم می شوند، چون شهرت روایی دارند.

بنابراین از نظر نص و فتوا، قول مشهور مقدم است.